



Women's Political Empowerment in the Fifth and Sixth Development Plans in Iran

Saeedeh Shakoorzadeh Ardabili¹

Aliasghar Davoodi^{2*}

Mahnaz Amirpoor³

Received on: 07/05/2023

Accepted on: 19/12/2023

Abstract

Given the growing role of women in the development of nations, various global institutions, including the World Economic Forum, now monitor gender issues and assess and rank countries accordingly. The World Economic Forum has published its annual reports since 2006, utilizing four key indicators: economic opportunity and participation, educational achievement, health and survival, and political empowerment. Notably, Iran has consistently ranked lower than other countries in the political empowerment index, often placing at the bottom of the Forum's ranking table. This study aims to examine the perspectives of two different development plan on women's political empowerment in Iran. Since the Fifth Development Plan was formulated and implemented during Ahmadinejad's administration, and the Sixth Plan was established under Rouhani's administration, a pertinent question arises: What perspectives did the Fifth and Sixth Development Plans adopt regarding the gender gap in the women's political empowerment index? It appears that the Moderate government, along with the Sixth Development Plan, placed greater emphasis on women's participation in the country's development, leading to an increase in women's political empowerment. The present study initially analyzed the text of the Fifth and Sixth Development Plans law using content analysis. By extracting fundamental, organizational, and comprehensive themes, it assessed the level of attention given by both conservative and moderate governments to the aforementioned index. It then analyzes the actions of both conservative and reformist governments regarding women's political empowerment. Additionally, it evaluates Iran's score and ranking in the World Economic Forum and compares the gender gap in this indicator across the fifth and sixth development plans.

Keywords: Gender gap, Fifth and sixth development plans, World Economic Forum, Political empowerment, Content analysis.

-
1. Ph.D student, Department of Political Science, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Email: Saeedehshakoorzadeh@gmail.com)
 - 2*. Assistant Professor, Department of Political Science, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author: adavoudi@mshdiau.ac.ir)
 3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Quchan branch, Islamic Azad University, Quchan, Iran. (Email: Mahnaz.amirpour@gmail.com)



توانمندسازی سیاسی زنان در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

سعیده شکورزاده اردبیلی^۱

علی اصغر داودی^{*۲}

مهناز امیرپور^۳

چکیده

به توجه به نقش روزافزون زنان در توسعه کشورها، امروزه علاوه بر دولت‌ها، برخی از نهادهای جهانی مانند مجمع جهانی اقتصاد، مسائل جنسیتی را رصد کرده، اقدام به امتیازدهی و رتبه‌بندی کشورها می‌کنند. مجمع جهانی اقتصاد بر اساس چهار شاخص فرصت و مشارکت اقتصادی، پیشرفت تحصیلی، سلامتی و بقا و توانمندسازی سیاسی، از سال ۲۰۰۶ به بعد سالیانه گزارش‌های خود را ارائه داده است. با توجه به اینکه ایران در شاخص توانمندسازی سیاسی نسبت به سایر شاخص‌ها ضعیف‌تر عمل کرده و همواره در انتهای جدول رتبه‌بندی مجمع قرار دارد، پژوهش حاضر قصد دارد دیدگاه دو برنامه توسعه متفاوت را نسبت به شاخص توانمندسازی سیاسی زنان مورد بررسی قرار دهد. از آنجا که برنامه پنجم توسعه در دولت احمدی‌نژاد و برنامه ششم در دولت روحانی تدوین و اجرایی گشته‌اند، این پرسش مطرح می‌شود: برنامه‌های پنجم و ششم توسعه چه دیدگاهی نسبت به شکاف جنسیتی در شاخص توانمندسازی سیاسی زنان داشته‌اند؟ به نظر می‌رسد در دولت اعتدال و بنابراین در برنامه ششم توسعه توجه بیشتری به مشارکت زنان در امر توسعه کشور و در نتیجه توانمندسازی سیاسی زنان صورت گرفته باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون در ابتدا متن قانون برنامه‌های توسعه پنجم و ششم را بررسی کرده، سپس با استخراج مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر، میزان توجه دولت‌های اصولگرا و اعتدال به شاخص فوق را به دست آورده است. در ادامه با بررسی اقدامات دولت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب در زمینه توانمندسازی سیاسی زنان و همچنین امتیاز و رتبه ایران در مجمع جهانی اقتصاد، به مقایسه شکاف جنسیتی در شاخص فوق در برنامه‌های پنجم و ششم پرداخته است.

واژگان کلیدی: شکاف جنسیتی، برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، مجمع جهانی اقتصاد، توانمندسازی سیاسی، تحلیل مضمون.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (صفحه ۲۱۹-۲۴۴)

(Saeedehshakoorzadeh@gmail.com)

*۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(نوینسند مسئول: adavoudi@mshdiau.ac.ir)

۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران.

(Mahnaz.amirpour@gmail.com)

مقدمه

امروزه در بیشتر کشورهای جهان زمینه و عرصه حضور زنان در اجتماع فراهم شده و دلیل اصلی آن این است که زنان نیمی از جمعیت و نیروی انسانی جامعه بوده و مشخص شده است که توسعه بدون حضور زنان در عرصه‌های مختلف ناقص بوده و یا ممکن نیست. بر این اساس ملاحظات جنسیتی نسبت به زنان کم رنگ شده و به زنان نیز به مانند مردان بر اساس توانمندی‌ها و مهارت‌های مختلفی که دارند نگرسته و رفتار می‌شود؛ بنابراین زنان نیز به مانند مردان در عرصه‌های مختلف در اجتماع نقش‌آفرین بوده و با فرصت‌هایی که جامعه و حکومت در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد قادرند مدارج علمی، تخصصی، شغلی و مهارتی را طی کرده و همپای مردان تأثیرگذار باشند. با این وجود آمارها و واقعیت‌ها حکایت از این دارد که در همه کشورها با شدت و ضعف مختلف شکاف جنسیتی^۱ وجود دارد و تا کنون هیچ‌گاه و در هیچ کشوری برابری جنسیتی حاصل نشده است. اهمیت شکاف‌های جنسیتی باعث شده است که همه ساله نهادهای داخلی و بین‌المللی به بررسی این مسئله در ابعاد وسیعی پرداخته، بر پایه یکسری داده‌ها، آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و نتایج بررسی‌های خود را منتشر کنند. یکی از این نهادها مجمع جهانی اقتصاد^۲ است که به صورت رسمی از سال ۲۰۰۶ شروع به بررسی شکاف جنسیتی در تعدادی از کشورها کرده و نتایج بررسی‌های خود در چهار شاخص فرصت و مشارکت اقتصادی^۳، پیشرفت تحصیلی^۴، سلامتی و بقا^۵ و توانمندسازی سیاسی^۶ منتشر می‌کند. از سال ۲۰۰۶ به بعد شکاف جنسیتی در شاخص‌های فوق در ایران نیز بررسی شده و مبنایی برای ارزیابی عملکرد دولت‌های مختلف و همچنین بررسی سیاست‌گذاری عمومی در ارتباط با حقوق زنان و شکاف جنسیتی ارائه داده است. مشخصاً سیاست‌گذاری و ساختارهای برنامه‌ریزی به دلیل توزیع منابع و اختصاص امکانات، تأثیر قابل توجهی بر کاهش یا افزایش شکاف جنسیتی دارند. یکی از منابع اساسی برای سیاست‌گذاری، تدوین برنامه‌های توسعه است. به مانند سایر کشورها، در ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی شش برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۷ تدوین

.....
1 . Gender Gap

2 . World Economic Forum

3 . Economic Participation and Opportunity

4 . Educational Attainment

5 . Health and Survival

6 . Political Empowerment

۷ . برنامه هفتم توسعه از ابتدای سال ۱۴۰۳ و در دولت مسعود پزشکیان در حال اجرا است.

شده و به مرحله اجرا در آمده است که در هر یک از این برنامه‌ها، علاوه بر سایر موضوعات، به مسئله حمایت از زنان در ابعاد و حوزه‌های مختلف توجه شده است. با این وجود حوزه زنان هنوز درگیر انواع عدم تعادل‌ها بوده و آثار آن در ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان در جامعه قابل مشاهده است. از جمله علل این مسئله رویکرد و نوع نگاه متفاوت دولت‌های مختلف در ایران بعد از انقلاب به مسئله زنان و حقوق آن‌ها بوده است. پژوهش حاضر قصد دارد از میان برنامه‌های مختلف توسعه برنامه‌های پنجم و ششم و از میان شاخص‌های چهارگانه مجمع جهانی اقتصاد شاخص توانمندسازی سیاسی را برای بررسی انتخاب کند؛ زیرا اولین گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)، ارائه شد؛ بنابراین برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه که قبل از این تاریخ اجرایی شدند را نمی‌توان بر اساس شاخص‌های مجمع جهانی اقتصاد مورد بررسی قرار داد. برنامه چهارم توسعه نیز در دولت اصلاحات خاتمی تدوین و در دولت اصولگرای احمدی‌نژاد اجرایی گردید؛ بنابراین این برنامه نمی‌تواند نشان دهنده مواضع دولت اصولگرا باشد؛ بنابراین بهترین برنامه‌ها برای بررسی برنامه پنجم و ششم توسعه است که در دولت اصولگرا و اعتدال هم تدوین و هم عملیاتی شده‌اند. از میان شاخص‌های چهارگانه نیز از این جهت شاخص توانمندسازی سیاسی زنان انتخاب شد که اولاً بررسی همه شاخص‌ها مجال بسیاری گسترده‌تری از صفحات این مقاله می‌طلبد، در ثانی موقعیت ایران همواره در این شاخص از سایر شاخص‌ها ضعیف‌تر بوده و در نتیجه اهمیت بیشتری برای بررسی پیدا می‌کند. بر اساس توضیحات فوق، پرسش اصلی این است که برنامه‌های پنجم و ششم توسعه چه دیدگاهی نسبت به شکاف جنسیتی در شاخص توانمندسازی سیاسی زنان داشته‌اند؟ با توجه به اینکه در دولت اصولگرا تأکید بر بازگشت به اصول و ارزش‌های انقلابی و مکتبی است، به نظر می‌رسد در حوزه زنان تأکید بر حفظ کیان خانواده و اولویت مشارکت مردان در جامعه است. در مقابل این پیش‌فرض در مورد دولت اعتدال وجود دارد که این دولت بر مشارکت آحاد مردم در توسعه کشور تأکید دارد. بر این اساس فرضیه این است که توانمندسازی سیاسی زنان در دولت اعتدال با توجه بیشتر و زنان در این شاخص با موفقیت بیشتری مواجه بوده‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا با روش تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به دست آمده، سپس با طرح تحولات داخلی و اقدامات دولت‌های اصولگرا و اعتدال در ارتباط با این شاخص، آمار و داده‌های مجمع جهانی اقتصاد را نیز بررسی کرده و دو دولت در این شاخص مورد تطبیق قرار می‌گیرند.

الف - پیشینه تحقیق

علیپور و همکاران (۱۳۹۶)، به روش تحلیل گفتمان به بازنمایی تعارضات گفتمانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های شش‌گانه توسعه در ایران پرداخته و نشان می‌دهند که در برنامه‌های اول و دوم توسعه عدالت آموزشی و بهداشتی، در برنامه‌های سوم و چهارم عدالت حقوقی، در برنامه پنجم عدالت بهداشتی و در برنامه ششم بر عدالت جنسیتی تأکید بیشتری شده است. کریمی‌دستنایی (۱۳۹۸)، در قالب گزارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، شاخص‌های شکاف جنسیتی ۲۰۲۰ در ایران و جهان را مطرح کرده است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از فرصت و مشارکت اقتصادی، پیشرفت تحصیلی، سلامت و بقا و فرصت‌های توانمندسازی سیاسی. از میان این شاخص‌ها توانمندسازی سیاسی بیشترین نابرابری جنسیتی را در سطح جهانی داشته است. در ایران نیز بیشترین شکاف مربوط به شاخص‌های توانمندسازی سیاسی و فرصت و مشارکت اقتصادی و کمترین آن مربوط به شاخص‌های پیشرفت تحصیلی و سلامتی و بقا است. میرابی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای به بررسی نقش زنان در سیاست‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب در ایران پرداخته و بدین منظور برنامه‌های اول تا ششم توسعه در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش با بررسی گفتمان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا در مورد نقش زنان در جامعه و مشارکت آن‌ها در سیاست‌های توسعه پس از انقلاب، نتیجه می‌گیرد که اختلافات سیاسی اجتماعی در رابطه با مشارکت زنان در توسعه مؤثر است. واعظی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل وضعیت حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران (از دهه سوم قرن بیست و یکم)»، به بررسی این مسئله در برخی از کشورهای جهان و همچنین کشورهای همسایه ایران پرداخته و به جایگاه نامساعد ایران در شاخص توانمندسازی سیاسی در مقایسه با استانداردهای جهانی حتی در میان کشورهای محافظه‌کار همسایه اذعان کرده‌اند. خدابخش و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی به تأثیر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بر نهاد خانواده پرداخته، آسیب‌های آن را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که علیرغم سیاست‌گذاری مداوم در جهت حمایت از خانواده در برنامه‌های اولیه تا ششم توسعه، تأثیر برنامه‌های توسعه بر نهاد خانواده نامطلوب بوده است. با بررسی منابع فوق مشخص می‌شود که اگرچه شاخص‌های شکاف جنسیتی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفته و به نقاط ضعف آن‌ها اشاره شده است، ولی نوآوری مقاله حاضر این است که اولاً شکاف جنسیتی را بر

اساس شاخص توانمندسازی سیاسی زنان و دوماً با روش تحلیل مضمون بررسی کرده و سوماً این مسئله را بر اساس داده‌های داخلی، داده‌های مجمع جهانی اقتصاد و همچنین اصول و مواضع دولت‌های اصولگرا و اعتدال مورد مقایسه قرار داده است.

ب- روش‌شناسی: روش تحلیل مضمون

روش تحلیل مضمون بر اساس یک رویه مشخص و در سه گام بنا نهاده شده است. در گام اول مضامین پایه که شامل کدها و نکات کلیدی است، از متن اصلی استخراج می‌شود. در گام دوم از ترکیب و تلخیص مضامین پایه مضامین سازمان‌دهنده به دست می‌آید. در گام سوم نیز محقق به مضمون فراگیر نائل می‌شود. این مضمون اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل است و مقصود و ذهنیت اصلی مؤلف را نشان می‌دهد (واعظی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳). روش مورد استفاده در پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل مضمون شبکه‌ای انجام شده است. بر این اساس بعد از تعیین مضامین سه گانه، این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما حول مضمون فراگیر ترسیم شده و مورد تحلیل واقع می‌شوند (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). در مقاله حاضر در ابتدا متن قوانین برنامه پنجم و ششم در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا موضوعات مهم شناسایی شود. متعاقباً، مضامین از موضوعات شناسایی شده استخراج می‌شوند، در نهایت، یک شبکه موضوعی ساخته می‌شود که شامل سه گام است؛ گام اول شامل منظم کردن بندهای از پیش تعیین شده برای ایجاد مضامین پایه‌ای یا اصلی است. گام دوم مستلزم دسته‌بندی این مضامین برای شناسایی مفاهیم هماهنگ و منسجم‌تر است، گام سوم با ظهور مضامین فراگیر به اوج خود می‌رسد، این مضامین، مفاهیم کلی و حاکم بر روح موضوع هستند که از مضامین سازمان‌دهی شده گام دوم به دست می‌آیند. در این شبکه موضوعی، ارتباطات بین مضامین، یک شبکه منسجم و یکپارچه را تشکیل می‌دهند که به طور مؤثر الگوهای توصیفی برگرفته از متن را به تصویر می‌کشد.

پ- چارچوب مفهومی

در ابتدا به مفهوم نابرابری جنسیتی اشاره می‌شود که این معناست که زن و مرد از نظر فرصت‌ها، رفتار اجتماعی یا ادراک مبتنی بر جنسیت از یک فرد برابر نیستند (Iqbal, et al, 2022: 1). بر این

اساس، نابرابری میان زنان و مردان در حوزه‌های مختلف شکاف جنسیتی است که از محیط‌های خانوادگی تا سطوح گسترده‌تر اجتماعی گسترش می‌یابد؛ بنابراین شکاف جنسیتی تفاوت بین زنان و مردان است که در دستاوردها یا نگرش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی منعکس می‌شود (Harris, 2017: 1). منظور از شکاف جنسیتی در این پژوهش، میزان و عمق نابرابری‌های جنسیتی است که موجب شکاف در میزان دستیابی دو جنس از موقعیت‌ها و منابع جامعه (آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی)، می‌شود.

توجه روزافزون به حقوق زنان در فضای جامعه بین‌المللی، به‌ویژه نهادهای بین‌المللی، از جمله تحولات نوین در این حوزه است (بزرگمهری، ۱۴۰۰: ۲۵۴). شاخص جهانی شکاف جنسیتی برای اولین بار توسط مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۶ به عنوان چارچوبی برای اندازه‌گیری میزان تفاوت‌های جنسیتی و ردیابی پیشرفت آن‌ها در طول زمان معرفی شد. این شاخص شکاف‌های جنسیتی ملی را در معیارهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و سیاسی مشخص کرده و کشورها را رتبه‌بندی می‌کند (Leopold et al, 2016: 3). چهار شاخص مورد بررسی در ارتباط با شکاف جنسیتی عبارت‌اند از:

فرصت و مشارکت اقتصادی: شکاف در سه زیر شاخص یعنی پیشرفت، مشارکت و دستمزد در این حوزه جای می‌گیرند. شکاف پیشرفت با محاسبه نسبت زنان و مردان در میان افراد قانون‌گذار و مدیران رده بالا و همچنین نسبت زنان به مردان در بین کارگران فنی و حرفه‌ای به دست می‌آید. شکاف مشارکت با محاسبه میزان مشارکت زنان و مردان به عنوان نیروی کار محاسبه می‌شود و شکاف دستمزد نیز با محاسبه تخمین درآمد زنان به مردان اندازه‌گیری می‌شود (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

دستاوردهای آموزشی: طریقه محاسبه شکاف و نابرابری در آموزش از طریق مؤلفه‌هایی مانند نرخ باسوادی زنان به مردان بعلاوه نرخ ثبت نام آن‌ها در مقاطع ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی به دست آید (رحیمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۴۰). نگاه بلندمدت به توانایی یک کشور در زمینه آموزش به میزان مساوی نیز مهم است که این امر از طریق محاسبه نرخ باسوادی زنان به مردان حاصل می‌شود (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

سلامتی و بقا: در این حوزه هدف این است که با استفاده از دو متغیر تصویری واضح از تفاوت بین سلامتی زنان و مردان ارائه شود؛ متغیر اول در صدد تعیین نرخ نسبت جنسی در هنگام تولد با

هدف اندازه‌گیری پدیده‌ای با عنوان «زنان گمشده»^۱ است. در اغلب کشورها والدین به داشتن فرزند پسر گرایش دارند. بر مبنای متغیر دوم که مورد استفاده سازمان بهداشت جهانی است، از شکاف بین «امید به زندگی سالم»^۲ زنان و مردان استفاده گشته است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۲۵). شکاف در سلامت برآوردی از تفاوت در تعداد سال‌هایی است که مردان و زنان می‌توانند انتظار داشته باشند که در سطح مناسبی از سلامت (بدون بیماری، خشونت و سوءتغذیه) زندگی کنند (صادقی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۹۸).

توانمندسازی سیاسی: برای تعیین این شاخص به تعداد و نسبت زنان به مردان در تصدی کرسی‌های مجلس و همچنین اشتغال در پست‌های وزارتی توجه می‌شود. مؤلفه دیگر در این شاخص توجه به نسبت زنان به مردان در سال‌های حضور در قوه مجریه به عنوان رئیس‌جمهور و یا نخست‌وزیر طی حداقل پنجاه سال گذشته است (Hausmann et al, 2006: 4). بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی میزان حضور زنان در مجلس شورای اسلامی و همچنین پست‌های وزارتی و مدیریتی در سطوح کلان در دولت‌های اصولگرا و اعتدال پرداخته و شدت و ضعف این مسئله را با امتیازات و رتبه‌های ایران در طول سال‌های برنامه پنجم و ششم توسعه در شاخص توانمندسازی سیاسی زنان مطابقت داده و با یکدیگر مقایسه می‌کند.

مسئله بعد این است که مقدار شاخص‌های مطرح شده از سوی مجمع جهانی اقتصاد و زیرشاخه‌های آن‌ها در طیفی بین صفر تا عدد یک قرار می‌گیرد (کریمی دستنایی، ۱۳۹۸: ۲). نزدیکی بیشتر به عدد یک نشان‌دهنده کاهش شکاف جنسیتی و نزدیکی به عدد صفر نشان‌دهنده بیشتر شدن شکاف جنسیتی است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۲۶). مفهوم بعدی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چارچوبی از اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات طراحی شده برای تحقق اصول نظام جمهوری اسلامی ایران است که در چارچوب چشم‌انداز ۲۰ ساله طراحی شده است. این برنامه‌ها به صورت پنج ساله تدوین می‌شوند. ویژگی‌های قابل توجه این برنامه‌ها عبارت‌اند از ماهیت جامع‌نگری، چشم‌انداز بلندمدت، الزام قانونی پس از تصویب، ماهیت اجباری برای سازمان‌های دولتی و هماهنگی بودجه ملی با مقررات آن‌ها. برنامه‌های توسعه، به‌عنوان مهم‌ترین قالب سیاست‌گذاری توسعه، توسط سازمان برنامه‌بودجه تدوین

1 . Missing Women

2 . Healthy Life Expectancy

شده و در نهایت به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد و به صورت قانون، تبدیل به اسناد بالادستی توسعه در ایران می‌شود (کمالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۶). در ادامه به بررسی شکاف جنسیتی در برنامه‌های توسعه در شاخص توانمندسازی سیاسی زنان پرداخته می‌شود.

ت- شکاف جنسیتی در برنامه‌های توسعه پنجم و ششم

توانمندسازی یک فرآیندی است که طی آن بانوان از درخواست‌ها و نیازهای درونی خویش آگاه شده، جرئت رسیدن به اهداف را در خود تقویت کرده و از توانایی‌ها و شایستگی‌های لازم برای کاربردی کردن نیازها و مطالبات خود برخوردار می‌شوند (فاضلی و دیگران، ۱۴۰۲: ۶۵). در این بخش شاخص توانمندسازی سیاسی زنان در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه با روش تحلیل مضمون بررسی می‌شوند.

۱- شکاف جنسیتی در برنامه پنجم توسعه

برنامه پنجم پنج ساله توسعه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) از سه بخش تشکیل شده که در مجموع ۱۳ فصل را شامل می‌شود که در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۹ مجلس آن را تصویب کرد. این برنامه مسیر توسعه در ایران را طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ تعیین کرد که البته تا سال ۱۳۹۵ تمدید شد. این برنامه شامل ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره است. سیاست‌های کلی این برنامه دارای ۴۵ بند است که سرفصل‌های ذیل را در برمی‌گیرد: امور فرهنگی، امور علمی و فناوری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دفاعی و امنیتی (خسروی‌پور و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۷۷). در ادامه متن قانون برنامه پنجم در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان مورد بررسی واقع می‌شود.

۱-۱- گام اول: استخراج مضامین پایه‌ای از متن

تحلیل مضمون شکاف جنسیتی برنامه پنجم توسعه در مرحله اول مستلزم مشخص نمودن متون مربوطه در قانون برنامه و جدا کردن کدهای اولیه و مهم که بر اساس آن مضامین پایه‌ای مشخص می‌گردند است. در جدول شماره ۱ در ابتدا مضامین پایه‌ای از متن قانون در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی استخراج شده است.

جدول شماره ۱- تبدیل متن برنامه پنجم توسعه به مضامین پایه‌ای

متن قانون	مضمون پایه‌ای
ماده ۱۸- دولت به منظور گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری اقدامات زیر را انجام دهد: (ک) ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادها در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور.	ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادها در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور.
ماده ۲۳۰- دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده.	وظیفه دولت در جهت تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» به منظور ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده.

(منبع: محقق ساخته)

با توجه به جدول فوق، در برنامه پنجم توسعه کمترین میزان تبصره و ماده در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان وجود دارد و آن هم به گونه‌ای است که به صورت اشاراتی محدود و فرعی بیان شده‌اند. در این برنامه فقط در مواد ۱۸ و ۲۳۰ به نحوی به ارتقای توانمندی‌ها و افزایش سهم نخبگان کشور در عرصه مدیریت و تصمیم‌سازی‌ها اشاره شده که چون بدون قید جنسیت مطرح شده به این معنی است که نخبگان زن و بانوان کشور نیز می‌توانند با ارتقای توانایی‌های خود به عرصه‌های بالای مدیریتی و سطوح بالای تصمیم‌سازی سیاسی در کشور راه پیدا کنند.

۱-۲- گام دوم و سوم: تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

در این قسمت مضامین پایه مطابق با جدول شماره ۲، برای شاخص فوق، به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر تبدیل می‌شوند.

جدول شماره ۲- تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون پایه‌ای	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادهاى برتر در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور.	ارتقای سهم نخبگان در مدیریت کشور	توجه به توانمندسازی سیاسی زنان
وظیفه دولت در جهت تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» به منظور ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده.	ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه	

(منبع: محقق ساخته)

مطابق با جدول فوق در دو مضمون سازمان‌دهنده نشان داده شد که در این برنامه به استعدادهای برتر، نخبگان و انجمن‌های علمی برای افزایش سهمشان در مدیریت کشور و تصمیم‌سازی‌ها توجه گشته و چون هیچ قید جنسیتی در این مورد مطرح نشده، مشخص است که زنان نیز می‌توانند همپای مردان به این عرصه و این سطح ورود پیدا کنند. همچنین به ارتقای توانمندی‌های زنان نخبه و مدیر به صورت ویژه و با تأکید بر جنسیت آن‌ها توجه شده که این مسئله نشان‌دهنده توجه به توانمندسازی سیاسی زنان است. در این شاخص سعی شده به نوعی عدالت و برابری فرصت‌ها رعایت گردد.

۲- تحلیل مضمون شکاف جنسیتی در برنامه ششم توسعه

در ادامه با بررسی متن قانون برنامه ششم توسعه که مربوط به سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بوده و تا سال ۱۴۰۲ و به نوعی تا سال ۱۴۰۳ تمدید شده است، پرداخته شده تا بتوان در ابتدا مضامین پایه‌ای مربوط به شاخص توانمندسازی سیاسی را از متن مستخرج نمود و در مراحل بعد مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر را مشخص نمود.

۲-۱- گام اول: استخراج مضامین پایه‌ای از متن

در این قسمت در ابتدا مضامین پایه‌ای از متن قانون توسعه ششم در شاخص توانمندسازی سیاسی در قالب جدول شماره ۳، مشخص شده است.

جدول شماره ۳- تبدیل متن برنامه ششم توسعه به مضامین پایه‌ای

متن قانون	مضمون پایه‌ای
ماده ۱۰۱- کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی برنامه ششم و سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، ایفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان، فرایند توسعه پایدار و متوازن، سازمان‌دهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات اساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نمایند.	ایفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها. نقش سازنده زنان به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن.
تبصره ۱- ریاست جمهوری (معاونت امور زنان و خانواده) موظف است ضمن ارزیابی و تطبیق سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های دستگاه‌ها و رصد مستمر ارتقای شاخص‌های وضعیت زنان و خانواده، گزارش آن را به‌طور سالانه به مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران ارائه نماید.	سازمان‌دهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی.
تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده در خصوص نحوه اعمال، سازوکارهای نظارت و پایش شاخص‌ها و وظایف و الزامات دستگاه‌های اجرایی برای ارتقای شاخص‌های مذکور، به پیشنهاد مشترک ریاست جمهوری (معاونت امور زنان و خانواده)، سازمان و سازمان اداری و استخدامی کشور و با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در چهارچوب قوانین مربوطه، شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.	

(منبع: محقق ساخته)

ماده ۱۰۱ تنها ماده‌ای است که می‌توان از متن آن اشاراتی به حقوق زنان در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان داشت. مطابق با این ماده دولت موظف به ایفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها است. مشخصاً یکی از این عرصه‌ها ارتقای موقعیت زنان به درجات و سطوح بالای تصمیم‌گیری سیاسی و عرصه‌های مدیریتی سیاسی در کشور است. همچنین به نقش سازنده زنان در فرایند توسعه پایدار اشاره شده و در نهایت نیز دولت موظف شده است که نسبت به ارتقای جایگاه نهاد امور زنان و خانواده اقدام کند تا از این طریق عدالت جنسیتی محقق گردد. این مضمون پایه‌ای از این جهت در راستای شاخص توانمندسازی سیاسی زنان قرار داده شده که زنان بتوانند از طریق این نهاد به سطوح عالی تصمیم‌گیری و مدیریتی سیاسی نائل آیند.

۲-۲- گام دوم و سوم: تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

بعد از مشخص شدن مضامین پایه‌ای در قانون برنامه ششم توسعه نسبت به شاخص توانمندسازی سیاسی، در گام دوم و سوم، مطابق با جدول شماره ۴ مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر حاصل شده و تحلیل می‌شوند.

جدول شماره ۴- تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون پایه‌ای	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
ایفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها.	ایفای حقوق شرعی و قانونی زنان در شاخص توانمندی سیاسی	توانمندسازی زنان برای تأثیرگذاری سیاسی
نقش سازنده زنان به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن.	تأثیرگذاری زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن جامعه	
سازمان‌دهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی.	تأثیرگذاری سازمان امور زنان و خانواده در ارتقای نقش زنان	

(منبع: محقق ساخته)

مضمون فراگیر «توانمندسازی زنان برای تأثیرگذاری سیاسی» نشان دهنده آن است که به مانند سایر برنامه‌های توسعه، در برنامه ششم نیز هیچ ماده قانونی به صراحت به امر توانمندسازی سیاسی زنان اشاره‌ای نداشته است. ولی به نسبت برنامه پنجم توسعه، در برنامه ششم به صورت ضمنی به این مسئله اشارات بیشتری شده است. در این خصوص سه مضمون سازمان‌دهنده ایفای حقوق شرعی و

قانونی زنان در شاخص توانمندی سیاسی، تأثیرگذاری زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن جامعه، تأثیرگذاری سازمان امور زنان و خانواده در ارتقای نقش زنان شکل گرفت. این مضامین نشان می‌دهد که زنان به انحاء مختلف، تحت حمایت برنامه ششم می‌توانند در عرصه‌های مختلف رشد و پیشرفت کنند. این رشد و پیشرفت در نهایت می‌تواند آن‌ها را به سطوح بالای سازمانی و رسیدن به شاخص‌های توانمندسازی سیاسی زنان که مورد بررسی مجمع جهانی اقتصاد است نائل گرداند. بدین جهت لازم است به آمارها و ارقام این مجمع و همچنین تحولات داخلی، برای بررسی عملکرد برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در این شاخص مراجعه شود.

ث- مقایسه شاخص فرصت و مشارکت اقتصادی در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه

با توجه به مطالب قبل، باید دید در داخل ایران چه تحولاتی نسبت به این شاخص صورت گرفته و در نهایت امتیاز و رتبه ایران در مجمع جهانی اقتصاد طی سال‌های برنامه‌های پنجم و ششم توسعه چگونه بوده و آیا با تحولات داخلی مطابقت داشته یا خیر؟

۱- تحولات داخلی در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان

برنامه پنجم سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶) و برنامه ششم، سال‌های ۱۳۹۵ تا ابتدای سال ۱۴۰۳ (۲۰۱۷-۲۰۲۳) را در برمی‌گیرد که در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین باید اشاره کرد که مجلس نهم (۷ خرداد ۱۳۹۱ تا ۷ خرداد ۱۳۹۵) هم‌زمان با برنامه پنجم توسعه و مجلس دهم (۸ خرداد ۱۳۹۵ تا ۶ خرداد ۱۳۹۹) هم‌زمان با برنامه ششم توسعه بوده است. برای بررسی دقیق‌تر وضعیت حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی ایران، به ذکر اجمالی سهم زنان در عالی‌ترین مناصب سیاسی کشور پرداخته می‌شود:

۱-۱- قوه مجریه

شرایط ریاست جمهوری در اصل ۱۱۵ قانون اساسی بیان شده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب

رسمی کشور». با توجه به ذکر کلمه «رجال» برای خصوصیات احراز پست ریاست جمهوری و عدم ارائه تفسیر فراگیر از این کلمه توسط شورای نگهبان تا کنون و با توجه به دیگر مسائل و موانع تا سال ۱۳۷۶ شمسی عملاً هیچ زنی حتی امکان ثبت‌نام در انتخابات ریاست جمهوری را پیدا نکرد و پس از آن نیز هیچ یک از زنانی که برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کرده بودند، توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت نشدند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲). هرچند تا امروز با فراز و فرودهایی، تعداد زنانی که برای ثبت‌نام در انتخابات ریاست جمهوری اقدام می‌کنند، روبه افزایش بوده است. بر این اساس باید گفت تا وقتی که تفسیر موسعی از کلمه «رجال سیاسی» صورت نگیرد، عملاً این پست در اختیار و انحصار مردها باقی خواهد ماند و هیچ زنی به مقام ریاست جمهوری نمی‌رسد. بدین ترتیب در دولت‌های اصولگرا و اعتدال و در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، هیچ زنی در این منصب حضور نداشته است.

۱-۲- مناصب سطوح بالای سیاسی

سمت‌های معاونت و مشاور رئیس‌جمهور، وزارت و ریاست سازمان‌های عالی دولتی را می‌توان از جمله مناصب سطوح بالای سیاسی محسوب داشت. عملاً تا سال ۱۳۷۰ هیچ زنی در این مناصب امکان حضور نیافت. پس از آن نیز حضور زنان در این سمت‌ها با نوسان همراه بوده و به طور کلی به کندی، روندی افزایشی را طی کرده است (واعظی و علی حسینی، ۱۴۰۲: ۱۷۷). می‌توان گفت هرچند بعد از انقلاب برای انتخاب وزرا از بین زنان منع قانونی وجود نداشت، اما تا سال ۱۳۸۸ هیچ زنی در حکومت جمهوری اسلامی ایران به مقام وزارت انتخاب نگردید. تنها در سال ۱۳۷۶ خانم معصومه ابتکار به عنوان رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و معاون رئیس‌جمهور انتخاب شد. اولین بار در سال ۱۳۸۸، خانم مرضیه وحید دستجردی، به عنوان وزیر بهداشت در دولت احمدی‌نژاد (برنامه پنجم توسعه) به مقام وزارت رسید (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

با این حال، اولین حضور زنان در هیئت دولت مربوط به دولت پنجم و ششم هاشمی رفسنجانی است که در این دولت ۴ تن از بانوان ایرانی، خانم‌ها معصومه ابتکار، شهلا حبیبی، فائزه هاشمی و فاطمه رمضان‌زاده به ترتیب توانستند به ریاست سازمان‌های غیردولتی زنان، ریاست دفتر امور مشارکت زنان، نائب رئیس کمیته ملی المپیک و مدیرکل بهداشت خانواده در معاونت بهداشتی وزارت بهداشت دست پیدا کنند. معصومه ابتکار در دوره ریاست جمهوری خاتمی، به عنوان اولین

زن به منصب معاونت ریاست جمهوری دست یافت. همچنین در هر دو دوره ریاست جمهوری خاتمی، زهرا شجاعی به ریاست مرکز امور مشارکت زنان گمارده شد و اشرف بروجردی به عنوان معاون اجتماعی و امور شوراهای وزیر کشور مشغول به کار شد. همچنین در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد که مقارن با برنامه پنجم توسعه است، حضور زنان بیش از دوره‌های گذشته بوده است، به گونه‌ای که ۱۷ زن به هیئت دولت راه پیدا کردند. در دولت دهم مرضیه وحید دستجردی به عنوان وزیر بهداشت، نسرین سلطان‌خواه به عنوان معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، مه‌ری سویزی به عنوان مشاور وزیر در امور زنان وزارت آموزش و پرورش منصوب شدند. همچنین در این دولت فرشته حشمتیان به منصب قائم‌مقامی وزیر در سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش دست یافت. سوسن کشاورز نیز به ریاست سازمان آموزش و پرورش استثنایی نائل شد. فاطمه قربان معاون آموزش ابتدایی شد و زهره سهرابی به عنوان مشاور معاونت آموزشی در امور مدیریت کیفیت آموزش مشغول به کار گردید. فرحناز ترکستانی نیز معاون دانشجویی و فرهنگی و رئیس مرکز امور دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شد. در دولت نهم نیز فاطمه جوادی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران بود. عصمت باروتی نیز معاونت دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت را بر عهده داشت. فربیا حاجی علی معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکت‌های مرکز امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری را بر عهده داشت. فاطمه بداغی معاون رئیس‌جمهور در امور حقوقی بود. همچنین در این دولت زهرا سجادی معاونت آموزش و پژوهش مرکز امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری را بر عهده داشت. مریم مجتهد زاده لاریجانی مشاور و رئیس مرکز امور زنان و خانواده و منیره نویخت رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان گشتند. شهین کربلایی نیز مدیر بین‌الملل مرکز امور زنان ریاست‌جمهوری بود. پروین هدایتی نیز معاونت طرح و برنامه مرکز امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری را بر عهده داشت. در دولت حسن روحانی نیز خلاف آنکه مطابق شعارها انتظار پست وزارت برای زنان در کابینه بود، اما وی ترجیح داد سه معاونت ریاست‌جمهوری را به مدیران زن بسپارد؛ معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط‌زیست شد. الهام امین‌زاده، معاون حقوقی رئیس‌جمهور گشت و وظیفه تدوین منشور حقوق شهروندی را بر عهده گرفت و شهیندخت مولاردی نیز به سمت معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری نائل آمد. همچنین به مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه و برخی زنان در سمت فرماندار می‌توان اشاره کرد (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۵/۲۶).

بدین ترتیب مشخص می‌شود که در سطوح بالای مناصب سیاسی دولت اصولگرا از دولت اعتدال عملکرد بهتری داشته است.

۱-۳- مجلس خبرگان و شورای نگهبان

اولین بار در سال ۱۳۷۷ در جریان انتخابات مجلس سوم خبرگان رهبری، ۹ زن خواستار نامزدی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری شدند و فقط یک زن مجتهد (زهره صفاتی) توانست تأیید شورای نگهبان را بگیرد، ولی وی قبل از روز انتخابات و آغاز رأی‌گیری به دلیل مخالفت برخی از علما، انصراف خود را اعلام نمود. بار دیگر در سال ۱۳۹۴، در جریان انتخابات مجلس پنجم خبرگان رهبری، ۱۶ زن از جمله اعظم طالقانی (نماینده مجلس اول شورای اسلامی) و عصمت سودای دارای تحصیلات عالی فقهی، ثبت‌نام نمودند، اما صلاحیتشان از سوی شورای نگهبان مورد تأیید واقع نشد. بدین ترتیب در شرایط خاص و متنوع اوایل انقلاب که یک زن عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بوده است تا کنون هیچ زنی اعم از حقوقدان و یا فقیه به سمت عضویت شورای نگهبان منصوب نشده است (واعظی و علی حسینی، ۱۴۰۲: ۱۷۸). بر این اساس نمی‌توان برنامه‌های پنجم و ششم توسعه را در این حوزه مورد مقایسه قرار داد.

۱-۴- مجلس شورای اسلامی

در جدول شماره ۳-۱، در ادوار مختلف نمایندگی مجلس، میزان حضور زنان به عنوان نماینده در مجلس مشخص شده است. تا کنون هیچ زنی نیز به سمت ریاست مجلس نرسیده است. در جدول شماره ۵ به تعداد کل نمایندگان بعلاوه نسبت نمایندگان زن به مرد از دوره اول مجلس تا دوره دوازدهم که در ۷ خرداد ۱۴۰۳ افتتاح شد اشاره شده است.

جدول شماره ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هر دوره به تفکیک جنسیت

جنس	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم
مرد و زن	۳۲۷	۲۷۸	۲۷۸	۲۷۴	۲۷۴	۲۹۷	۲۹۵	۲۹۱	۲۹۰	۲۸۷	۲۸۸	۲۹۰
مرد	۳۲۳	۲۷۳	۲۷۳	۲۶۵	۲۶۰	۲۸۴	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۱	۲۷۰	۲۷۲	۲۷۶
زن	۴	۴	۴	۹	۱۴	۱۳	۱۳	۸	۹	۱۷	۱۶	۱۴

(منبع: محقق ساخته)

تعداد کل نمایندگان، با در نظر گرفتن استعفاها، درگذشت‌ها و جابه‌جایی‌ها شمارش شده است. مطابق با جدول ۳-۱، در دوره نهم مجلس شورای اسلامی که مقارن با برنامه پنجم توسعه است تعداد ۹ زن و در دوره دهم که مقارن با برنامه ششم توسعه است تعداد ۱۷ زن وارد مجلس شده‌اند که این تعداد تقریباً دو برابر تعداد زنان دوره نهم مجلس است. همچنین در دوره دهم بیشترین تعداد حضور زنان در تمام ادوار مجلس رقم خورده است. به طور کلی، نسبت به شاخص توانمندسازی سیاسی زنان آمار و ارقام نشان دهنده شکاف جنسیتی بالایی است. حضور زنان در مناصب بالای سیاسی و دولتی در جمهوری اسلامی نسبت به مردان به دلایل مختلف بسیار کم رنگ است.

۲- شاخص توانمندسازی سیاسی زنان در رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد

در نهایت نیز باید به آمار و ارقام مجمع جهانی اقتصاد در مورد شاخص توانمندسازی زنان اشاره کرد. جدول شماره ۶ به این مسئله اشاره کرده است.

جدول شماره ۶- رتبه شکاف جنسیتی ایران

سال	امتیاز جهانی	رتبه جهانی	توانمندسازی سیاسی	
			امتیاز	رتبه
۲۰۱۱	۰.۵۸۹۴	۱۲۵ از ۱۳۵	۰.۰۱۶۶	۱۳۰
۲۰۱۲	۰.۵۹۲۷	۱۲۷ از ۱۳۵	۰.۰۳۴۶	۱۲۶
۲۰۱۳	۰.۵۸۴۲	۱۳۰ از ۱۳۶	۰.۰۳۶۴	۱۲۹
۲۰۱۴	۰.۵۸۱۱	۱۳۷ از ۱۴۲	۰.۰۳۷۴	۱۳۵
۲۰۱۵	۰.۵۸۰	۱۴۱ از ۱۴۵	۰.۰۳۷	۱۳۷
۲۰۱۶	۰.۵۸۷	۱۳۹ از ۱۴۴	۰.۰۴۷	۱۳۶
۲۰۱۷	۰.۵۸۳	۱۴۰ از ۱۴۴	۰.۰۴۶	۱۳۶
۲۰۱۸	۰.۵۸۹	۱۴۲ از ۱۴۹	۰.۰۴۶	۱۴۱
۲۰۲۰	۰.۵۸۴	۱۴۸ از ۱۵۳	۰.۰۳۷	۱۴۵
۲۰۲۱	۰.۵۸۲	۱۵۰ از ۱۵۶	۰.۰۳۶	۱۵۱
۲۰۲۲	۰.۵۷۶	۱۴۳ از ۱۴۶	۰.۰۳۶	۱۴۲
۲۰۲۳	۰.۵۷۵	۱۴۳ از ۱۴۶	۰.۰۳۱	۱۴۳

(منبع: مجمع جهانی اقتصاد)

با توجه به جدول فوق، در شاخص توانمندسازی سیاسی در سال ۲۰۱۱ ایران امتیاز ۰/۱۶۶ را به دست آورد. این امتیاز باعث شد رتبه ایران در رتبه‌بندی این مجمع به ۱۳۰ در میان ۱۳۵ کشور برسد. در این شاخص ایران در این سال فقط از کشورهای یمن، بلیز، بروئی و عربستان سعودی موقعیت بهتری در رتبه‌بندی جهانی داشته است (Hausmann et al, 2011: 16). در سال ۲۰۱۲ از میان ۱۳۵ کشور، با کسب امتیاز ۰/۳۴۶ ایران در جایگاه ۱۲۶ ایستاد و فقط از کشورهای مغولستان، یمن، عمان، کویت، بلیز، لبنان، بروئی، قطر و عربستان سعودی موقعیت بهتری در رتبه‌بندی به دست آورد (Hausmann et al, 2012: 16). ایران از میان ۱۳۵ کشور در شاخص توانمندسازی سیاسی، در سال ۲۰۱۳ با کسب امتیاز ۰/۳۶۴ در جایگاه ۱۲۹ قرار گرفت و فقط از آلبانی، یمن، عمان، کویت، بلیز، لبنان، بروئی و قطر موقعیت بهتری در رتبه‌بندی جهانی داشته است. البته قطر و بروئی با امتیاز مشابه هر دو به صورت مشترک در رده ۱۳۵ رتبه‌بندی جای گرفتند (Hausmann et al, 2013: 19).

در سال ۲۰۱۴ ایران با کسب امتیاز ۰/۳۷۴ از میان ۱۴۲ کشور در جایگاه ۱۳۵ قرار گرفت و از فیجی، کویت، یمن، عمان، قطر، لبنان و بروئی موقعیت بهتری در رتبه‌بندی به دست آورد (Hausmann et al, 2014: 11). در سال ۲۰۱۵ در شاخص توانمندسازی سیاسی ایران با کسب امتیاز ۰/۳۷ از میان ۱۴۵ کشور رتبه ۱۳۷ را کسب کرد. در این شاخص ایران به ترتیب فقط از کشورهای بحرین، مجارستان، یمن، کویت، لبنان، قطر و بروئی موقعیت بهتری در رتبه‌بندی مجمع کسب کرد (Hausmann et al, 2015: 11). در سال ۲۰۱۶ با کسب امتیاز ۰/۴۷ ایران از میان ۱۴۴ کشور در جایگاه ۱۳۶ قرار گرفت و موقعیت بهتری از بحرین، مجارستان، یمن، کویت، بروئی، عمان، لبنان و قطر در رتبه‌بندی مجمع به دست آورد (Leopold et al, 2016: 11). از بررسی امتیازات و رتبه‌های ایران در طول برنامه پنجم در شاخص توانمندسازی سیاسی می‌توان به دو مطلب اساسی پی برد؛ اول اینکه رتبه و امتیاز ایران طی این سال‌ها به صورت مداوم افزایش یافته و بهتر شده است و دوم اینکه رتبه ایران در این شاخص همه ساله از رتبه نهایی ایران بهتر بوده است.

از سال ۲۰۱۷ برنامه ششم توسعه آغاز گشت. در این سال از میان ۱۴۴ کشور، در شاخص توانمندسازی سیاسی با کسب امتیاز ۰/۴۶ رتبه ۱۳۶ نصیب ایران شد و فقط از بحرین، مجارستان، بلیز، بروئی، کویت، لبنان، قطر و یمن موقعیت بهتری در رتبه‌بندی مجمع به دست آورد (Leopold et al, 2017: 13). در سال ۲۰۱۸ تعداد ۱۴۹ کشور در زمینه شکاف جنسیتی مورد بررسی مجمع جهانی اقتصاد قرار گرفتند که ایران در شاخص توانمندسازی سیاسی با کسب امتیاز ۰/۴۶ رتبه ۱۴۱ را در

رتبه‌بندی مجمع به دست آورد. ایران به ترتیب فقط از کشورهای مجارستان، بحرین، بیلز، بروئنی، کویت، لبنان و عمان و یمن موقعیت بهتری در رتبه‌بندی مجمع داشته است (Zahidi et al, 2018: 11). به دلیل اینکه در سال ۲۰۱۹ گزارشی از سوی مجمع جهانی اقتصاد منتشر نشد، گزارش بعدی مربوط به سال ۲۰۲۰ است. در این سال تعداد ۱۵۳ کشور مورد بررسی واقع شدند که ایران در شاخص فوق با کسب امتیاز ۰.۳۷ رتبه ۱۴۵ را کسب نمود و از نیجریه، بیلز، بروئنی، لبنان، عمان، یمن، پاپوآ گینه نو و کشور وانواتو موقعیت و امتیاز بهتری به دست آورد (Crotti et al, 2020: 12).

در سال ۲۰۲۱ از میان ۱۵۶ کشور در شاخص توانمندسازی سیاسی، ایران با کسب امتیاز ۰.۳۶ رتبه ۱۵۱ را به دست آورد. در این شاخص ایران از کشورهای بروئنی، کویت، یمن، پاپوآ گینه نو و وانواتو موقعیت بهتری پیدا نمود (Crotti et al, 2021: 19). در سال ۲۰۲۲ از میان ۱۴۶ کشور، ایران با کسب امتیاز ۰.۳۶ رتبه ۱۴۲ را کسب کرد و فقط قطر، بروئنی، کویت و وانواتو را در رتبه‌بندی پشت سر گذاشت (Kali Pa et al, 2022: 16). نهایتاً و در سال ۲۰۲۳ که آخرین سال اجرای برنامه ششم توسعه بود، از میان ۱۴۶ کشوری که توسط مجمع جهانی اقتصاد مورد بررسی قرار گرفت، ایران در شاخص فوق، با کسب امتیاز ۰.۳۱ رتبه ۱۴۳ را به دست آورد. در این شاخص ایران از کشورهای لبنان، وانواتو و افغانستان موقعیت بهتری در رتبه‌بندی و جدول مجمع پیدا نمود (Kali Pa et al, 2023: 18).

بر اساس جدول شماره ۳-۲، در سال ۲۰۱۱ در شاخص توانمندسازی سیاسی زنان ایران از ۵ کشور، در سال ۲۰۱۲ از ۹ کشور، در سال ۲۰۱۳ از ۷ کشور، در سال ۲۰۱۴ از ۷ کشور، در سال ۲۰۱۵ از ۸ کشور و در سال ۲۰۱۶ از ۸ کشور موقعیت بهتری در جدول به دست آورد که میانگین آن عدد ۷/۳ است؛ یعنی حداقل از ۷ کشور طی این سال‌ها ایران موقعیت بهتری در جدول احراز نموده است. با همین حساب، در سال ۲۰۱۷ ایران در جدول از ۸ کشور، در سال ۲۰۱۸ از ۸ کشور، در سال ۲۰۲۰ از ۸ کشور، در سال ۲۰۲۱ از ۵ کشور، در سال ۲۰۲۲ از ۴ کشور و در سال ۲۰۲۳ از ۳ کشور موقعیت بهتری در جدول داشته که میانگین آن عدد ۶ است؛ یعنی اینکه ایران به صورت میانگین از ۶ جدول در طی برنامه ششم توسعه موقعیت بهتری در جدول احراز نموده است. با مقایسه این دو عدد مشخص است که طی برنامه پنجم توسعه و در دولت اصولگرا، علیرغم اینکه نسبت نمایندگان مجلس در طول برنامه پنجم نسبت به برنامه ششم توسعه کمتر بود، توانست موقعیت بهتری در جدول احراز کند. اگرچه در بخش قبل مشخص شد که تعداد مناصب و پست‌های سطوح بالای سیاسی برای زنان

در دولت اصولگرا بیش از دولت اعتدال بود، ولی مسئله این است که این اعداد و ارقام و مقایسه آن‌ها در دو دولت، با مضامین سازمان‌دهنده و فراگیری که در رابطه با دو برنامه پنجم و ششم توسعه و همچنین فرضیه تحقیق مطرح شد مطابقت زیادی ندارد.

نتیجه‌گیری

امروزه اغلب کشورهای جهان به منظور رسیدن به توسعه متوازن و پایدار به اهمیت کاستن از شکاف جنسیتی و بهره‌گیری از ظرفیت و توانمندی زنان در حوزه‌های مختلف پی برده‌اند. به همین دلیل مسائل مربوط به حقوق زنان در عرصه سیاست‌گذاری عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. در ایران نیز برنامه‌های توسعه که نمود اصلی سیاست‌گذاری عمومی در کشور است، با تأخیر به دلیل جنگ تحمیلی، از سال ۱۳۶۸ در قالب برنامه‌های پنج ساله توسعه به اجرا گذاشته شد. مشخص است که دولت‌های مختلف با اصول و مواضع متفاوت نسبت به چگونگی توسعه، برداشت‌ها و مواضع مختلفی نیز در مورد مسائل جنسیتی و نقش زنان در توسعه کشور داشته‌اند. از آنجا که مواضع کلی اصولگرایی در ایران مبتنی بر بازگشت به اصول اولیه انقلاب و اسلام است، در حوزه زنان نیز نقش اصلی بر حفظ ارزش‌هایی مانند حجاب و عفاف، تحکیم خانواده و تربیت فرزندان و مشارکت مشروط به حفظ ارزش‌ها و اصول مکتبی در امر توسعه است. در مقابل در دولت‌های اصلاح‌طلب توجه بیشتری به سطح مشارکت زنان در امر توسعه شده و درجه حساسیت آن برای مشروط کردن حضور زنان در این مسیر کمتر است. به همین دلیل در فرضیه تحقیق به مسائل فوق اشاره شد و انتظار بر این بود که در عرصه تحولات داخلی و آمار و ارقام مجمع جهانی اقتصاد نسبت به شاخص توانمندسازی سیاسی زنان، دولت اعتدال نسبت به دولت اصولگرا و در نتیجه برنامه ششم توسعه نسبت به برنامه پنجم وضعیت بهتری احراز کند. ولی نتایجی که از بررسی دو برنامه توسعه با روش تحلیل مضمون به دست آمد انتظارات و فرضیه تحقیق را تأیید نکرد.

مشخص شد که در برنامه پنجم توسعه در قالب دو مضمون سازمان‌دهی بر ارتقای سهم زنان نخبه و مدیر در عرصه مدیریتی کشور تأکید شده و مضمون فراگیر «توجه به توانمندسازی سیاسی زنان» به دست آمده است. در برنامه ششم نیز سه مضمون سازمان‌دهنده بر نقش و جایگاه زنان و مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه کشور تأکید داشت که در نهایت مضمون فراگیر «توانمندسازی زنان برای

تأثیرگذاری سیاسی» به دست آمد. در نتیجه علاوه بر اینکه در هیچ کدام از دو برنامه اشاره مستقیمی به توانمندسازی سیاسی زنان نشده، ولی در برنامه ششم، اشارت فرعی و ضمنی به این مسئله بیشتر از برنامه پنجم بوده است. حاصل شدن مضمون فراگیر برنامه ششم که بر توانمندسازی سیاسی زنان برای تأثیرگذاری سیاسی اشاره دارد، حکایت از آن دارد که زنان می‌باید حداقل نسبت به دولت اصولگرا و در قیاس با برنامه پنجم توسعه، وضعیت بهتری در ارتباط با شاخص توانمندسازی سیاسی به دست آورند. ولی همان‌طور که تحولات داخلی نشان داد، به‌جز در مؤلفه تعداد زنانی که به مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند، در دیگر مؤلفه‌ها، مانند تعداد زنان راه‌یافته به سطوح بالای سیاسی و همچنین در رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد، وضعیت دولت اصولگرا و برنامه پنجم توسعه، نسبت به وضعیت دولت اعتدال و برنامه ششم توسعه بهتر است. آمار و ارقام مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد، حداقل در سه سال انتهایی برنامه ششم وضعیت ایران در رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد به مراتب بدتر از برنامه پنجم توسعه است.

در طول برنامه ششم نیز این روند همواره سیر نزولی داشته، به گونه‌ای که در همین موقعیت ضعیف، سه سال اول برنامه نسبت به سه سال آخر آن (به جز سال ۲۰۲۰ که گزارشی ارائه نشد) وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ ایران در جدول از ۸ کشور موقعیت بهتری داشته، ولی در سال ۲۰۲۱، ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به ترتیب از ۵، ۴ و ۳ کشور در رتبه‌بندی جایگاه بالاتری کسب کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایران در طول سال‌های برنامه پنجم توسعه در این شاخص موقعیت بهتری نسبت به برنامه ششم در جدول مجمع جهانی اقتصاد داشته است. به طور کلی، آمار و ارقام مجمع جهانی اقتصاد به وضوح نشان می‌دهد که بیشترین شکاف جنسیتی در ایران مرتبط با شاخص توانمندسازی سیاسی زنان است. در این شاخص ایران همواره در انتهای جدول قرار داشته و در بهترین حالت توانسته است از چند کشور آفریقایی و یا کشورهایی مانند افغانستان جلوتر باشد. مسئله مهم این است که از قرن بیست میلادی در جهان به صورت کلی و در دهه‌های اخیر حتی در خاورمیانه اقدامات مفید و مهمی برای توانمندسازی سیاسی زنان اتخاذ گردیده، ولی در ایران عملکرد مناسبی در این حوزه صورت نگرفته و نسبت به تصدی پست‌ها و مشاغل سیاسی و مدیریتی کلان در جمهوری اسلامی بین زنان و مردان اختلافات فاحشی دارد که این مسئله نگران‌کننده است. در نهایت نیز باید گفت دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی هر کدام بر مبنای اصول و ایدئولوژی حزبی و جناحی خود، ولی در ذیل سیاست‌های کلی نظام و

ارزش‌ها و اصول انقلابی و مذهبی تا حدودی سعی در کاستن از شکاف جنسیتی و مشارکت دادن زنان در روند امور جامعه داشته‌اند. مسئله این است که ذهنیت نخبگان در دولت‌های مختلف باعث شده که به جنبه یا بعد خاصی از شخصیت وجودی زن توجه کرده و از ابعاد دیگر غافل شوند. ولی باید گفت که این تفاوت‌ها علیرغم تأثیرگذاری در برخی حیطه‌ها، هیچ خللی در اصل مسئله شکاف جنسیتی و پیگیری حقوق زنان وارد نیاورده و همچنان همه دولت‌ها با معضل عدم توانایی و یا عدم میل به کاستن از شکاف جنسیتی مواجه هستند. به اعتقاد نگارنده مشکل اصلی از نوع نگاه مسئولان حکومتی و دولتی از دریچه اسلامی و شرعی به مبحث زنان و تفسیر مضیق در این زمینه است که خود باعث محدودیت زیادی زنان شده است. این محدودیت‌ها از اجازه خروج از منزل از شوهر گرفته تا عدم جواز شرعی به فعالیت در مشاغل که ماهیتاً مردانه محسوب می‌شوند (مانند قضاوت یا مسند ریاست جمهوری و ...) مانع فعالیت و تحرک زنان و ارتقای موقعیت و جایگاه آن‌ها در اجتماع می‌شود. مسئله دیگر این است که نوع نگاه به زنان و توانمندی‌های آنان در جامعه ایرانی تا حدود زیادی متأثر از فرهنگ پدرسالارانه و اقتدار مردانه است. در نهایت نیز به دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی توصیه می‌شود که به مسئله شکاف جنسیتی اهمیتی بیش از پیش بدهند و در راستای کاستن از آن تلاش کنند. این مسئله در نهایت باعث موفقیت بیشتر دولت در همه عرصه‌ها می‌شود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

- بزرگمهری، مجید، مولایی، وحید، قاسمی، حاکم (۱۴۰۰)، «تحول حقوق زنان در جهان اسلام در دو دهه اخیر با توجه به شاخص‌های توسعه با تأکید بر رویکرد سازمان همکاری اسلامی»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۸۲-۲۵۳.
- پهلوانی، الهام، گلستانی، محمود (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی)»، *مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، شماره ۸، صص ۱۳۷-۸۷.

- خسروی پور، زهرا، مهرعلیزاده، یدالله، درفش، حجت‌الله، رحیمی دوست، غلامحسین، کرمی، مرتضی (۱۴۰۲)، «واکاوی سیاست‌های نابرابری آموزشی در شش برنامه توسعه در ایران»، *سیاست‌گذاری عمومی*، سال ۹، شماره ۳، صص ۱۸۱-۱۵۶۵.
- رحیمی، کامران، سبحانی، حسن، مهرآرا، محسن (۱۴۰۱)، «تبیین اثر شکاف جنسیتی در برخورداری از فرصت‌ها بر شکاف فقر»، *سیاست‌گذاری اقتصادی*، سال ۱۴، شماره ۲۷، صص ۳۷۰-۳۳۹.
- صادقی، حبیب‌الله، عزیزی، علی، صادقی، رسول (۱۴۰۱)، «ارزیابی تأثیر شکاف جنسیتی بر عملکرد محیط زیستی در کشورهای منتخب جهان»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۲۰، شماره ۳، صص ۴۱۳-۳۸۹.
- کریمی دستنایی، طاهره (۱۳۹۸)، شاخص شکاف جنسیتی ۲۰۲۰ در ایران و جهان، *اتفاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی*، معاونت بررسی‌های اقتصادی.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، *سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۰۸-۱۸۹.
- کمالی، یحیی، شیخ زاده، صدیقه، حسین عسکری، فرزانه (۱۴۰۰)، «چالش‌های تدوین سیاست‌های توسعه در ایران (برنامه‌های پنج ساله توسعه)»، *پژوهش‌های برنامه و توسعه*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۲۶-۹۵.
- فاضلی، زهرا، مطلبی، مسعود، ابطحی، مصطفی، حسن‌نیا، علی (۱۴۰۲)، «واکاوی نتایج سیاست دولت ج.ا. ایران بر توانمندسازی و امید به زندگی زنان افغان ساکن ایران»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۸۳-۶۱.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۵)، «ریاست جمهوری زنان»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۳، صص ۱۳-۱.
- همتی، رضا، مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه: با تأکید بر جایگاه ایران»، *پژوهشنامه زنان*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۱۵.

- واعظی، رضا، چگین، میثم، اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۶)، «چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری سلامت ایران مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون»، *مطالعات مدیریت گردشگری*، دوره ۱۳، شماره ۴۱، صص ۱-۴۰.
- واعظی، هدی سادات، علی حسینی، علی (۱۴۰۲)، «تحلیل وضعیت زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران (از دهه سوم قرن بیست و یکم)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۹۰.

ب- منابع انگلیسی

- Crotti, Robert & Geiger, Thierry & Ratcheva, Vesselina & Zahidi, Saadia (2020), "The Global Gender Gap Report 2020", *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2020.pdf
- Crotti, Robert & Kali Pa, Kusum & Ratcheva, Vesselina & Zahidi, Saadia (2021), "The Global Gender Gap Report 2021", *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2021.pdf
- Harris, Briony (2017), "What is the Gender Gap (and Why is it Getting Wider)?", *World Economic Forum*, No 1, Available at: <https://www.weforum.org/agenda/2017/11/the-gender-gap-actually-got-worse-in-2017/>
- Hausmann, Ricardo & Bekhouche, Yasmina & Tyson, Laura & Zahidi, Saadia (2013), "The Global Gender Gap Report 2013", *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2013.pdf
- Hausmann, Ricardo & Bekhouche, Yasmina & Tyson, Laura & Zahidi, Saadia, Massoudi, Pearl (2014), "The Global Gender Gap Report 2014", *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/GGGR14/GGGR_CompleteReport_2014.pdf

- Hausmann, Ricardo & Bekhouche, Yasmina & Tyson, Laura & Zahidi, Saadia (2015), “The Global Gender Gap Report 2015”, *World Economic Forum*, Available at: <https://www3.weforum.org/docs/GGGR2015/cover.pdf>
- Hausmann, Ricardo & Greig, Fiona & Tyson, Laura & Zahidi, Saadia (2006), “The Global Gender Gap Report 2006”, *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2006.pdf.
- Hausmann, Ricardo & Tyson, Laura & Zahidi, Saadia (2011), “The Global Gender Gap Report 2011”, *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2011.pdf
- Hausmann, Ricardo & Tyson, Laura & Zahidi, Saadia (2012), “The Global Gender Gap Report 2012”, *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2012.pdf
- Iqbal, Asim & Hassan, Shafiqul & Mahmood, Haider & Tanveer, Muhammad (2022), “Gender Equality, Education, Economic Growth and Religious Tensions Nexus in Developing Countries: A Spatial Analysis Approach”, *Heliyon*, Vol. 8, No. 11, pp: 1-8.
- Kali Pa, Kusum & Li, Ricky & Piaget, Kim & Baller, Silja & Zahidi, Saadia (2023), “The Global Gender Gap Report 2023”, *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2023.pdf
- Kali Pa, Kusum & Piaget, Kim & Baller, Silja & Ratcheva, Vesselina & Zahidi, Saadia (2022), “The Global Gender Gap Report 2022”, *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2022.pdf
- Leopold, Till Alexander & Ratcheva, Vesselina & Zahidi, Saadia (2016), “The Global Gender Gap Report 2016”, *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/GGGR16/WEF_Global_Gender_Gap_Report_2016.pdf

- Leopold, Till Alexander & Ratcheva, Vesselina & Zahidi, Saadia (2017), "The Global Gender Gap Report 2017", *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2017.pdf
- Zahidi, Saadia & Geiger, Thierry & Crotti, Robert (2018), "The Global Gender Gap Report 2018", *World Economic Forum*, Available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2018.pdf

پ- منابع الکترونیکی

- خبرگزاری تسنیم، زنان در دولت‌های پس از انقلاب، چه سهمی از کابینه داشته‌اند؟ آخرین تاریخ به‌روزرسانی ۱۴۰۰/۶/۲۵، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news>